

هامون



انجمن علمی جغرافیا
دانشگاه شهید بهشتی



زنان روستایی و ارتقاء دانش در گردشگری
پیوند شهر و روستا و تاثیر آن بر گردشگری
کاهش آب دریاچه خزر
واقعیت هایی از دید یک استاد



شماره 1 / اسفند 1402



هامون



انجمن علمی جغرافیا
دانشگاه شهید بهشتی

شناسه

فصلنامه علمی_فرهنگی هامون
شماره یک /سال ۱۴۰۲

صاحب امتیاز: انجمن علمی جغرافیا دانشگاه شهید بهشتی
مدیرمسئول: یگانه کارچانی
سر دبیر: حسن رحمان

هیئت تحریریه: یگانه کارچانی، حسن رحمان

ویراستار: یاسمن درویش

نویسندگان: محمد مهدی عباسی، یگانه کارچانی، زهرا سادات سجادی،
حسن رحمان، سید حسن سید موسوی، سید سروش اسمعیلی، فاطمه
زهرا خلیلی، دیبا رضایی، رضیه اکرمی، زهرا فتح آبادی
طراحی جلد و صفحه آرا: یگانه کارچانی
طراحی لوگو: یگانه کارچانی
عکس: یگانه کارچانی

باتشکر از: معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده
علوم زمین، خانم نیوشا فغانخانی، استادان محترم و تمام عزیزانی که در
تهیه ی این شماره از نشریه با ما همراه بودند.

tem:Geography_Earth1

راه ارتباطی ما:

تهران، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم زمین، دفتر انجمن جغرافیا

فهرست

- ۴ سخن نخست
- ۵ جغرافیای شهری
- ۸ جغرافیای فرهنگی
- ۱۲ توسعه پایدار
- ۱۴ دود شش
- ۱۶ چمدان بی بازگشت
- ۱۷ ذره بین دانشکده
- ۱۹ واقعیت‌هایی از دید یک استاد
- ۲۲ زنان روستایی و دانش گردشگری
- ۲۴ پیوند شهر و روستا
- ۲۷ کاهش آب دریاچه خزر
- ۲۹ تقویم جغرافیا
- ۳۰ کتاب بهترین راه افزایش علم

سخن نخست

در این سفر جدید به دنیای دانش و جست‌وجوی حقیقت، مجله‌ی جغرافیا و علوم زمین، خوش آمدید! یک سرزمین جدید که با نقشه‌های تازه و دیدگاه‌های نوآورانه‌ی دانشجویان جغرافیا و علوم زمین پر شده است. اینجا جایی است که خیال‌پردازی به رواق علم به واقعیت تبدیل می‌شود و هر قطره‌ی دانش، موجی است که به ساحل‌های مستدام دنیا می‌رسد. در این سفر، ما با پرواز در دامنه‌های علمی، با گام‌های ایستاده بر روی سنگینی مسائل جغرافیایی و علوم زمین قرار داریم. هدف ما، روشنایی افکار و پرورش تفکر است که در راستای توسعه‌ی پایدار، زیبا و کارا باشند. اینجا جایی است که تعامل دانشجویان، چشم‌اندازهای نوینی را برای آینده به همراه دارد و مقالات و رویدادهای علمی به‌عنوان نقشه‌های راه، به سوی پیشرفت و تعادل در جهان ارائه می‌شوند. با افتخار اعلام می‌کنیم که این مجله، تخصص دانشجویان رشته‌ی جغرافیا و علوم زمین است که با دستان دانشجویان پرتلاش و علاقه‌مند این رشته برای ارائه‌ی اطلاعاتی تازه و پرانرژی در زمینه‌ی مقالات و رویدادهای علمی گردآوری شده و نه تنها یک ابزار ارتباطی، بلکه فرصتی برای تبادل ایده‌ها، اندیشه‌ها و دیدگاه‌های متنوع در مسیر توسعه‌ی پایدار در دنیای امروزی است. امیدواریم که در این سفر، با همه‌ی اراده و انگیزه‌ی شما، به‌سرعت به قله‌های نوآوری و دانش بلندتر برسیم. در این راه ما به‌دنبال ارتقاء فهم و آگاهی از ماجراهای علمی و زیسته‌ی روزمره‌ی کوهی زمین هستیم. از آنجا که اعتقاد داریم تنها با دستیابی به دانش عمیق و گسترده می‌توانیم به توسعه‌ی پایدار در سطح جهانی دست یابیم؛ اینجاست که ما به شما ملحق می‌شویم تا در کنار هم نقشی فعال و مؤثر در این مسیر پرماجرا داشته باشیم. چالش‌های بسیار و همچنین فرصت‌های بی‌شماری برای پیشبرد علم و فرهنگ جغرافیا و علوم زمین پیش‌روی ما قرار دارد. امیدواریم که با همت و تلاش مستمر، بتوانیم این فرصت‌ها را به بهترین شکل ممکن بهره‌برداری و به سوی رشد و پیشرفت مداوم حرکت کنیم. در پایان دعوت می‌کنم تا همه‌ی شما علاقه‌مندان به این زمینه با مشارکت فعال و مستمر خود، به ارتقای علم و دانش و در نتیجه به توسعه‌ی پایدار و سازنده‌تر جهان کمک کنید. با شما هر گام یک تازگی، هر کلمه یک افتخار و هر رویداد یک داستان ارزشمند خواهد بود. به امید روزهایی پر از کاوش، دانش و همبستگی.

با احترام، نشریه‌ی هامون
حسن رحمان (دبیرانجمن علمی جغرافیا)
اسفند ۱۴۰۲

جغرافیا و شهر

جغرافیای شهری



محمد مهدی عباسی
دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی شهری
دانشگاه خوارزمی

قبل از شرح و تبیین چيستی جغرافیای شهری و رابطه جغرافیا و شهر لازم است تا تعریفی و تفسیری از جغرافیدان، جایگاه و حوزه فعالیت آنان شود.

جغرافیدانان، محیط طبیعی و هم محیط انسانی جهان را مطالعه می کنند. جغرافیدانان دو دسته اند: جغرافیدانان طبیعی و جغرافیدانان انسانی. جغرافیدانان طبیعی به مطالعه شکل و ماهیت انواع ناهمواری های سطح زمین (ژئومورفولوژی)، الگوها و روندهای طولانی مدت آب و هوا (اقلیم شناسی) و توزیع فضایی حیوانات و گیاهان به صورت طبیعی و تعدیل شده توسط انسان (جغرافیای زیستی) می پردازند. جغرافیدانان انسانی به مطالعاتشان را بر مکان انسان ها و فعالیت های آنان در فضای جغرافیایی متمرکز کرده اند. این تمرکز ممکن است بر فعالیت ها و رفتارهای اقتصادی، ویژگی های فرهنگی و اجتماعی جامعه و یا ارتباطات قدرت و سیاست به همان شکلی تاکید ورزد که در مکان ها یا فضاها (مناطق) بیان می شود. بنابراین جغرافیای شهری زیرشاخه ای از جغرافیای انسانی است، زیرشاخه ای که تاکیدش بر شهرها و مناطق شهری است.

جغرافیای شهری به عنوان زیرشاخه ای از رشته جغرافیا در قرن بیستم شکل گرفت. جغرافیدانان در سال ۱۹۰۰ زمانی که تنها ۴۰ درصد از جمعیت آمریکا در شهرها زندگی می کردند،

ابتدا به مفاهیم جغرافیای طبیعی مخصوصا مطالعه اشکال و ماهیت انواع ناهمواری های سطح زمین یا ژئومورفولوژی که در آن زمان فیزیوگرافی نامیده می شد، علاقمند بودند. با توجه به محدودیت های بیشتری که برای جغرافیدانان در کار پژوهش در جغرافیای انسانی وجود داشت، زیرشاخه جغرافیای کشاورزی و جغرافیای استخراج منابع در این زمینه پیشگام بودند. نیمه اول قرن بیستم شاهد ظهور تدریجی رشته جغرافیای شهری بود که مبنای آن برخی از مفاهیم بنیادی بود که عده محدودی از محققان مطرح کردند. نخستین درس های جغرافیای شهری در دهه ۱۹۴۰ توسط چانسی هریس پدر علم جغرافیای شهری در دانشگاه ایندیانا و ادوارد اولمن در دانشگاه هاروارد تدریس شد. نیمه دوم قرن بیستم شاهد توسعه و ترویج جغرافیای شهری به عنوان زیرشاخه اصلی و مهم رشته جغرافیا بود.

جغرافیدانان شهری به دو روش بر روی مطالعات و بررسی شهرها و مناطق مادرشهری تمرکز می کنند: ۱. با تاکید بر ارتباطات گروهی از شهرها در سطح منطقه ای، ملی یا بین المللی که رویکرد بین منطقه ای مادرشهری نامیده می شود. ۲. با برجسته کردن نظام های مکانی داخلی انسان ها، فعالیت ها و موسسات در درون منطقه مادرشهری که رویکرد درون منطقه ای مادرشهری شناخته می شود. در عین حال امکان دارد، جغرافیدانان شهری تحلیل هایشان را با پیروی از رویکرد بین منطقه ای مادرشهری یا درون منطقه ای مادرشهری با مطالعه و بررسی شهرها در مناطق گوناگون جهان (شهرهای سوسیالیستی، شهرهای عربی و ...) یا با بررسی موضوعات و مفاهیم خاص (فقر و قومیت و ...) سازماندهی کنند.

چهار رویکرد، قالب یا موضوع پژوهشی در چارچوب جغرافیای شهری مشهود است: ۱. رویکرد جغرافیای طبیعی ۲. رویکرد انسان-محیط ۳. رویکرد ناحیه ای ۴. رویکرد فضایی. از برخی لحاظ گذار بین این چهار رویکرد با تغییر ناگهانی شبکه های تلویزیون قابل مقایسه است چرا که هر رویکردی منسوخ می گردید به سرعت جایش را به رویکرد جدید می داد. این چهار رویکرد را که در اصل پاتسیون (۱۹۶۴) مطرح کرد، تحولات جغرافیای شهری را تقریبا تا ۱۹۷۰ توصیف می

کند

جغرافیدانان پس از سال ۱۹۲۵ از اندیشه های جبرگرایی محیطی به استثنای معروف ترین طرفداران آن یعنی السورث هانتینگتون و گریفیت تیلر (۱۹۴۹) تبعیت نکردند. جغرافیدانانی که احساس کردند جبرگرایی محیطی موقعیتی بسیار انعطاف ناپذیر و علی پیدا کرده است، افکار خود را با فلسفه امکان گرایی تطبیق دادند.

بر اساس این رویکرد، طبیعت امکانات و یا محدودیت هایی برای فعالیت های بشری ایجاد می کند اما رفتارهای بشر که از طریق سنت ها و آداب فرهنگی بیان می شود، شیوه زندگی معینی را می آفریند. در حالی که بر اساس نظریه جبرگرایی، انسان ها در شمال سیبری زنده نخواهند ماند اما مکتب امکان گرایی خواهد گفت که احتمال زندگی انسان در چنین محیطی اگر چه کم است اما غیر ممکن نیست. بدین ترتیب رویکرد انسان-محیط (جبرگرایی محیطی) در جغرافیای شهری باعث ایجاد علاقمندی به مقر شهرها شد لازم به ذکر است که مقر یک شهر تعیین کننده رشد جمعیت و آینده اقتصادی آن شهر است.

رویکرد ناحیه ای: سومین رویکرد برجسته در جغرافیای شهری دیدگاه پژوهش های ناحیه ای بود. اوج این مطالعات به سال های ۱۹۲۰ تا ۱۹۶۰ بر می گردد. مطالعات ناحیه ای یا منطقه ای شهرها نوعا بر یک شهر منفرد به عنوان پژوهش موردی متمرکز بود. این مطالعات به طور عادی به جای تحلیلی، توصیفی بودند.



رویکرد طبیعی: زمانی که جغرافیای شهری به شکل حوزه کاملا تکامل یافته جغرافیایی در اواخر دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ ظهور یافت، رویکرد طبیعی وجود نداشت. در این زمان پرداختن به محیط طبیعی شهر آغاز شد. مثلا مطالعات نشان می داد که بخش های مسکونی با درآمد بالا غالبا در مناطقی با ارتفاع بیشتر جای داشتند. یا منهتن به دلیل داشتن سنگ بستر مستحکم می توانست آسمانخراش ها را در خود جای دهد. برخی از جغرافیدانان بررسی هایشان را بر بلایای طبیعی از قبیل سیلابها، لغزش و حرکت توده های سنگ ها و خاک های موجود در دامنه ها و توفندها متمرکز کردند. موضوع ویژه این تحقیقات، جزایر حرارتی داخل شهرها بود. جزایر حرارتی در نواحی مرکزی شهرها تشکیل می شود و درجه حرارت بالاتری از نواحی روستایی دور از شهر را نشان می دهد که علت آن فراوانی ساختمان های سیمانی (بتونی) در نواحی مرکزی شهرهاست. به هر حال رویکرد طبیعی به مواردی می پردازد که بسیاری از جغرافیدانان شهری آن ها را نادیده می گیرند

رویکرد انسان-محیط: در فرهنگ غرب وقتی برای یافتن منشا این رویکرد حداقل تا زمان ارسطو به عقب بر می گردیم به مفهومی مبهم اما نافذ و اثرگذار می رسیم. محیط طبیعی به ویژه آب و هوا توسعه تمدن بشری را کنترل و تعیین می کند، این مفهوم را با عنوان جبرگرایی محیطی می شناسیم.



مکتب رفتارگرایی: مکتب جغرافیای رفتاری به تحلیل سازمان فضایی شهرها و رفتار فضایی در داخل این الگوی سازمانی توجه می کند..

جمع بندی

براساس مطالبی که ارائه شد جمع بندی کلی از مطالب بیان می شود. همانطور که گفته شد جغرافیدانان دو دسته اند: جغرافیدانان طبیعی و جغرافیدانان انسانی. جغرافیای شهری به عنوان زیرشاخه ای از جغرافیای انسانی به مطالعه شهرها و مناطق شهری می پردازد. آمریکا اولین کشوری است

که این رشته در آن معرفی و تدریس شد. رشته جغرافیای شهری برای اولین بار در این کشور و در دهه ۱۹۴۰ تدریس شد.

جغرافیدانان شهری به دو روش بر روی مطالعات و بررسی شهرها و مناطق مادرشهری تمرکز می کنند: ۱. با تاکید بر ارتباطات گروهی از شهرها در سطح منطقه ای، ملی یا بین المللی ۲. با برجسته کردن نظام های مکانی داخلی انسان ها، فعالیت و موسسات در درون منطقه مادرشهری.

جغرافیدانان در چهار رویکرد، قالب یا موضوع پژوهشی به مطالعه می پردازند: ۱. رویکرد جغرافیای طبیعی ۲. رویکرد انسان-محیط ۳. رویکرد ناحیه ای ۴. رویکرد فضایی.

آن ها صرفا جغرافیای یک شهر را توصیف می کردند. مطالعات موردی معمولا یک رویکرد تاریخی داشتند و تاکیدشان بر چگونگی رشد و تکامل شهر بود. علاوه براین، مطالعات ویژگی های ناحیه ای هم داشت. سرانجام با توجه به کمبود اطلاعات منتشر شده در قرن بیستم، در مطالعات ناحیه ای عموما از پژوهش های میدانی و مصاحبه هم استفاده شد. به طور کلی، رویکرد مطالعات ناحیه ای به مدت طولانی مبحث اصلی جغرافیای شهری آمریکا بود و از آن جا که بیشتر به موضوعات توصیفی گرایش داشت و نه تفاسیر تحلیلی چشم انداز شهری، موجب شد جغرافیای شهری از جریان اصلی علوم اجتماعی دور بماند..

رویکرد فضایی: به تدریج رویکرد ناحیه ای طی اواخر دهه ۱۹۵۰ جای خود را به رویکرد تحلیل مکانی داد که هنوز هم به عنوان یک موضوع پژوهشی مهم در قرن بیست و یکم باقی مانده است. تحلیل مکانی بر نظریه پردازی، روش های کمی و ساخت مدل های ریاضی تاکید می کند. مفهومی که بیش از هر چیز دیگری به تحلیل مکانی مربوط می شود، نظریه موقعیت مکانی است.

از دهه ۱۹۸۰ دو مکتب جغرافیای شهری را تحت تاثیر قرار داد: ۱. مکتب ساخت گرایی ۲. مکتب رفتارگرایی.

مکتب ساخت گرایی: مکتب جغرافیای ساختاری بیشتر بر شناخت عمیق نابرابری های اجتماعی-اقتصادی در شهرها تاکید می کرد که در نتیجه آن تخصیص فضایی منابع محدود در شهرها به وجود آمده است. به تعبیر عده ای از جغرافیدانان، مکتب ساخت گرایی به سمت عدالت اجتماعی در شهرها پیش می رود.

ها و موسسات در درون منطقه مادرشهری.



جغرافیا و فرهنگ

جغرافیای فرهنگی



زهره سادات سجادی
دانشجوی کارشناسی رشته جغرافیا دانشگاه
شهید بهشتی

از این رو اغلب به جای تعریف فرهنگ بیشتر با استنباطها و تعبیرهای متعددی که درباره‌ی آن مطرح شده است، مواجه می‌شویم. چیزی که در این تعارف مشهود است، تقسیم‌بندی خود کلمه‌ی فرهنگ به انواع مختلفی مثل تشریحی یا توصیفی، ساختاری، تاریخی، مادی و معنوی و ... است.

تعریف زیر از فرهنگ ترکیبی از حدود ۱۰ تعریف می‌باشد که بدین شرح است:

فرهنگ بزرگترین نیاز جامعه‌ی بشری و عامل اصلی پویایی، نشاط، تداوم و حیات جوامع است و مجموعه‌ای در هم تنیده از زبان، ارزش‌ها، باورهای دینی و غیر دینی، نگرش‌ها، سنن و ... است که در طول تاریخ در میان قوم یا ملتی جا افتاده و روح و میراث اجتماعی آن جامعه است که انسان‌ها و جوامع را به گذشته‌ی تاریخی‌شان متصل و پویایی و تکامل حیات فعلی آن‌ها را تضمین می‌کند و جغرافیای وحدت درونی یک ملت است که بقا و کارکرد آن بستگی به قابلیت دارد که انحصاراً در اختیار انسان است. فرهنگ هر ملتی شناسنامه‌ی ملی آن جامعه و مرکز برخورد افکار و عقاید آنان است و متأثر از یک سلسله روش‌ها و زمینه‌هایی است که آن روش‌ها و زمینه‌ها افراد یک جامعه را به هم می‌پیوند و در رفتار، کردار و روابط اجتماعی آن‌ها منعکس می‌شود. فرهنگ از گذشته‌های بسیار دور در گذشته‌ی تاریخی ملت‌ها از جمله ایران مورد توجه بوده است. به طوری که می‌توانیم اهمیت آن را در شعر زیر از فردوسی ببینیم:

ز دانا بپرسی پس دادگر / که فرهنگ بهتر بود یا گوهر؟
چنین داد پاسخ بدو رهنمون / که فرهنگ باشد ز گوهر
فزون

که آرایش جان بود / ز گوهر سخن گفتن آسان بود

در جای جای سطح کره‌ی زمین نواحی فرهنگی‌ای داریم که در هر کدام از آن‌ها فرهنگ ویژه‌ای (نوع خاص زبان، دین، هنر، معماری و ...) غالب است و به سبب همان فرهنگ ویژه از سایر نواحی جدا می‌شود. مطالعه‌ی نواحی فرهنگی از مهم‌ترین موضوعات جغرافیای فرهنگی است. جغرافیای فرهنگی یکی از زیرشاخه‌های رشته‌ی جغرافیا می‌باشد.

در تعریفی ساده جغرافیای فرهنگی دانشی است که ارتباط و تعامل متقابل دو حوزه‌ی فرهنگ و فضای جغرافیایی را بررسی می‌نماید. برای فهم بهتر این تعریف ابتدا باید تعریف دقیقی از واژه‌ی فرهنگ ارائه کرد. واژه‌ی فرهنگ از دو جزء تشکیل شده است. "فر" به معنی جلوه، بالا، جلال، شکوه و پیش بردن و "هنگ" از ریشه- ی اوستایی "ئنگ" به معنی کشیدن، قصد و آهنگ است. فرهنگ و مفهوم آن از کلمات پیچیده و پرتعریف در رشته‌هایی مانند جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، جغرافیای فرهنگی و ... هستند که تاکنون بیش از ۳۰۰ تعریف داخلی و خارجی برای آن ارائه شده و علت این تعاریف زیاد به خاطر تعریف تعبیر و تعدد آن از یک طرف و ابهام در معنای واحد از آن، از سوی دیگر باعث ابهام بیشتر در معنای فرهنگ شده است و از طرفی، سخت بودن مفهوم فرهنگ و عدم سهولت در دستیابی به معنای واحد از آن برمی‌گردد.

به طوری که ریموند ویلیامز در یکی از مقالات مشهور خود در باب فرهنگ، آن را یکی از دو سه واژه‌ای می‌داند که بیشترین پیچیدگی را دارد و رابرت بارفسکی معتقد است که تلاش‌های معطوف به تعریف فرهنگ، شبیه تلاش برای به چنگ آوردن باد است.

پخش فرهنگی: پدیده‌ی پخش یا انتشار فرآیندی است که طی آن یک موضوع یا پدیده مانند زبان، مذهب، افکار و ایده‌ها، نوآوری، وسایل و ابزار، لباس، شیوه‌ی زندگی و حتی بیماری از یک مکان به سایر مکان‌ها گسترش می‌یابد. فرهنگ نیز همواره تغییرپذیر و پویاست. موضوع محوری تئوری اشاعه یا پخش فضایی، چگونگی گسترش یک پدیده از کانون یا کانون‌های اصلی در بین نواحی و افراد پذیرنده‌ی آن است. بر این مبنا هر یک از عناصر زیر مجموعه‌ی یک فرهنگ نیز قادرند از یک یا چند مکان جغرافیایی نشأت گرفته، سپس پخش و گسترده شوند. به عبارت بهتر هر نماد فرهنگی می‌تواند محصول ایده‌ها و ابداعات فرهنگی باشد که از خاستگاه خود به دیگر مناطق گسترش یافته‌اند. برخی از این نهادها و نوآوری‌های فرهنگی به منشأ خود محدود می‌شوند و برخی دیگر در مقیاس وسیع‌تر و حتی جهانی گسترش و تعمیم می‌یابند. بنابراین نهادهای فرهنگی در هر مکان و منطقه‌ی جغرافیایی می‌توانند تبلور جریانات، ارتباطات و تعاملات فرهنگی مابین آن فضا و دیگر فضاها باشند.

بوم‌شناسی فرهنگی: مجموعه‌ی فرهنگی مشتمل بر دین، زبان، قومیت و آداب و رسوم و ... در زیستگاه و بستر طبیعی مشخص به وجود می‌آیند و بی‌تردید از خصوصیات و ویژگی‌های این محیط طبیعی تأثیر می‌پذیرد. ضمن آنکه متقابلاً می‌تواند بر طبیعت تأثیر بگذارد. در حقیقت بوم‌شناسی فرهنگی به مطالعه‌ی علل ظهور برخی از نمادهای فرهنگی متأثر از محیط طبیعی می‌پردازد و به‌طور خلاصه رابطه‌ی علت و معلولی میان فرهنگ‌ها و محیط طبیعی را مورد بررسی قرار می‌دهد.



بر اساس مطالب فوق می‌توان گفت که فرهنگ بخشی از سبک زندگی است که جمع‌کثیری از مردم در آن شریک هستند. شباهت در زبان گفتاری و نوشتاری، رفتار، سبک زندگی، سنن، میراث، ایدئولوژی و حتی تکنولوژی افراد را به گروه‌هایی از مردم در فرهنگ خاص مربوط می‌سازد. انسان با اندیشه‌ی تصمیم و اراده‌ی خود در طبیعت و محیط پیرامون خود مداخله نموده و اشیاء و منابع موجود در آن را مطابق خواسته و نیاز خود به‌کار می‌گیرد. طبیعت نیز با نیروهایی که در اختیار دارد، میزان و دامنه‌ی بهره‌برداری انسان را تعیین و محدود می‌کند. بدین ترتیب جغرافیا به مطالعه‌ی فضایی می‌پردازد که از روابط متقابل انسان و طبیعت ناشی می‌شود و عامل عینی و حقیقی به-شمار می‌رود. بدیهی است که یکی از ابعاد مورد مطالعه‌ی فضا به مثابه‌ی پارادایم غالب علوم جغرافیایی، بُعد فرهنگی آن است.

به بیان دیگر آثار متقابل فرهنگ و محیط امری واقع و عینی است و می‌تواند مصداق معرفت علمی قلمداد شود. بر این مبنا تفاوت‌ها و تشابهات عناصر فرهنگی گروه‌های انسانی در ابعاد فضایی - مکانی و بررسی تغییرات آن در طی زمان‌های مختلف، بررسی تأثیر عناصر طبیعی و انسانی در فرهنگ جوامع مختلف و بررسی رابطه‌ی متقابل فرهنگ و توسعه‌ی فضا از موضوعات اساسی در جغرافیای فرهنگی است. بنابراین موضوع جغرافیای فرهنگی صرفاً نمی‌تواند تحلیل فضایی ریخت‌شناسی (مورفولوژی) چشم اندازهای فرهنگی باشد؛ بلکه هدف از آن بررسی تأثیر فضایی فرهنگ در الگوی رفتاری جوامع و فعالیت‌های مکانی است.

در جغرافیای فرهنگی بر مکان‌گزینی، مکان‌یابی، کاربری اراضی، شکل‌ها، نحوه‌ی بهره‌گیری از فضاها و تأثیرپذیری آن‌ها از فرهنگ تأکید می‌گردد. از سوی دیگر هیچ فرهنگی بدون وجود دیگر فرهنگ‌ها معنا و اعتبار ندارد. به طوری که تفاوت‌های دینی، زبانی، معیشتی و ... شکل دهنده‌ی مفهوم فرهنگ است و همه‌ی فرهنگ‌ها در رابطه با یکدیگر دارای تعامل متقابل‌اند.

پخش فرهنگی، بوم‌شناسی فرهنگی، ادراک محیطی، در هم تنیدگی فرهنگی، چشم‌انداز فرهنگی، قلمرو فرهنگی، ژئوپلیتیک فرهنگی، ملت و اقلیت فرهنگی از مفاهیم بنیادین جغرافیای فرهنگی هستند که در ادامه به توضیح مختصری از آن‌ها خواهیم پرداخت.



تاریخی، جغرافیایی، زبان‌شناسی، سیاسی، فرهنگی، معماری و هنری حاکم بر روزگار تألیف‌شان دست یافت. قلمرو فرهنگی: قلمرو فرهنگی ناظر بر کوشش فردی و گروهی برای ترسیم و نگاه‌داشت هویت فرهنگی در فضایی است که در آن زندگی می‌کند. برخی رویکردهای نظری، رفتار قلمروخواهانه‌ی گروه‌های متشکل انسانی را پدیده‌ی طبیعی یا غریزی و برخی دیگر آن را برگرفته از فرهنگ‌های جوامع مختلف دانسته‌اند. به‌طور کلی شکل-گیری کنش قلمروسازی فرهنگی در اشکال مرزبندی، محدودسازی، ادعای مالکیت مادی و معنوی نسبت به نمادها و فرآیند فرهنگی نمود می‌یابد. از این رو مفهوم قلمرو یا ناحیه‌ی فرهنگی و مرزهای جغرافیایی آن گستره‌ی جغرافیای حاکمیت و تعیین صلاحیت امور به وسیله‌ی یک فرهنگ در یک فضای جغرافیایی خاص است.

ژئوپلیتیک فرهنگی: ژئو کالچر یا ژئوپلیتیک فرهنگی فرآیند پیچیده‌ای از تعاملات فرهنگ، قدرت و محیط جغرافیایی است که طی آن فرهنگ‌ها همچون سایر پدیده‌های نظام اجتماعی همواره در حال شکل‌گیری، تکامل، آمیزش و جابه‌جایی در جریان زمان و بستر محیط جغرافیایی کوهی زمین‌اند.

ملت: یکی از لوازم شکل‌گیری فرهنگ، ظهور جامعه و گروه‌های اجتماعی مشخص است. به بیان دیگر، اگر فرهنگ را برساخته‌ای اجتماعی تلقی کنیم؛ وجود هر فرهنگی در تبعیت از وجود یک جامعه‌ی متشکل انسانی و در یک فضای مشخص معنا می‌یابد. فرهنگ با دو گونه-ی فضا و زمان (تاریخ) پیوند دارد. همچنین عوامل طبیعی و انسانی از علل وجودی ملت است.

اقلیت فرهنگی: تفاوت‌های زبانی، قومی و مذهبی گروهی از شهروندان یک کشور نسبت به اکثریت جمعیت آن مفهومی به نام اقلیت است. به‌عبارت دیگر، مفهوم اقلیت در جمعیت‌های ملی به معنای کمتر بودن شمار گروه مشخص انسانی نسبت به گروه مسلط است. سازمان ملل مفهوم اقلیت را این‌گونه تعریف نموده است: «گروهی در یک کشور که جمعیت آن‌ها از بقیه‌ی افراد جامعه کمتر بوده‌و با وجه تمایز نسبت به دیگران در موقعیت نامسلط قرار دارند و برای بقای خود دارای نوعی حس انسجام و همبستگی هستند».

ادراک محیطی: به‌طور کلی هر فرد و گروه متشکل انسانی، از محیط اطراف خود تصویر ذهنی‌ای دارد که وابستگی زیادی به فرهنگ حاکم بر آن جامعه دارد و عمیقاً از آن متأثر است. به این تصویر ادراک محیطی گفته می‌شود. به‌عبارت بهتر دیدگاه یک فرد یا جامعه متشکل انسانی به محیط اطراف بیش از آنکه به خصایص واقعی و فیزیکی مربوط باشد، به نحوه‌ی برداشت ادراک و نگرش آن فرد یا جامعه از محیط بستگی دارد.

در هم تنیدگی فرهنگی: به اعتقاد جغرافی‌دانان فرهنگی عناصر و نمادهای یک فرهنگ مشخص در چهارچوب یک نظام عمل نموده و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند. به‌عبارت دیگر در یک فرهنگ مشخص، ایجاد تحول و تغییر در هر کدام از اجزای نظام بر دیگر اجزا نیز تأثیر مشخص و معینی دارد. بنابراین فرهنگ مجموعه‌ای از ویژگی‌های به هم مرتبط و در هم تنیده است که تمام اجزا و عناصر آن به صورت متقابل با یکدیگر در ارتباط‌اند و یک سیستم فرهنگی را تشکیل می‌دهند. تغییر در برخی از عناصر فرهنگی نظیر ایدئولوژی، نوع پوشش و آداب و رسوم بر دیگر اجزای فرهنگ نظیر اعتقادات دینی تأثیرگذار است.

چشم انداز فرهنگی: چشم انداز به منزله‌ی بخشی از فضای جغرافیایی شامل مناظر و نموده‌های عینی است که توسط گروه‌ها و جوامع انسانی در روی زمین شکل می‌گیرد و در واقع بیانگر اندیشه‌ها، ارزش‌ها و به‌طور کلی نمایانگر فرهنگ انسانی است.

منظور از چشم انداز، پدیده‌های دیدنی و عناصر مشخصی است که با بهره‌برداری انسان از زمین پیوند می‌خورد و هدف از مطالعات جغرافیایی بررسی تغییرات محیط طبیعی به چشم اندازه‌های فرهنگی و انسانی در طول زمان است. بنابراین چشم انداز، واحدی منسجم از سطح زمین و پایه عینی و ذهنی قابل شناسایی است. چشم انداز فرهنگی در حکم آینه‌ها و کتاب‌هایی هستند که با دیدن و مطالعه‌ی آن‌ها می‌توان به اطلاعات گران‌بهای در زمینه‌های اجتماعی،

محیط جغرافیایی سرزمین ایران تأثیر پذیرفته و بر آن تأثیر نهاده است. از زمان ورود آریایی‌ها به سرزمین ایران و سکونت آن‌ها در این فلات تا به امروز هویت ایرانی دگرگونی‌های زیادی را پشت سر نهاده و این در حالی است که هویت و فرهنگ هر ملتی در درجه‌ی نخست زاینده‌ی خاستگاه جغرافیایی آن ملت است و فلات ایران بدون تردید در شکل‌گیری هویت و فرهنگ ایرانی نقش داشته است.

عناصر و ویژگی‌های جغرافیای فرهنگی ایران:

۱- اعتقاد به دین و ایمان و اصالت روح و تجرد آن از بدن و بقای آن و نیز اعتقاد به رستاخیز و حیات جاویدان انسان در ویژگی‌های مشترکی است که در سراسر تاریخ ایران وجود داشته است. از سوی دیگر باور به مفهوم فرشته و شیطان در هر دو دین زرتشت و اسلام اعتقادی مشترک است.

۲- تنوع طبیعی و اقلیمی در فلات ایران خرده فرهنگ‌های زیادی را در این سرزمین به وجود آورده است. به دلیل آرایش رشته‌کوه‌ها، رودها، کویرها و جنگل‌ها خرده فرهنگ‌ها و نمادهای محلی متنوعی در ایران ظهور کرده است.

۳- فرهنگ ایران عمدتاً درون‌پرداز، عارفانه و جبرگراست و تفکر سیاسی نیز از همین فرهنگ سرچشمه می‌گیرد. ۴- ارتباطات فرهنگی با دیگر کشورها که فرآورده‌ی مشابه‌ای خواهد داشت، از طریق آن هویت خود را بروز می‌دهد و هم برای صیانت از هویت خویش از آن بهره می‌گیرد. اما اگر این فرآورده‌ها و فرآیندها را جدا از تحول، تکامل، پویایی و التقاط با فرهنگ مجاور در نظر نگیریم؛ امکان پویایی و تحول نماد در فرهنگ از بین می‌رود.

۵- از دیگر آموزه‌های فرهنگی ایران که ریشه در کاربرد جغرافیایی ایران دارد؛ عدالت و دادگری است که ریشه‌ای ژرف در هویت ایرانی دارد. در حقیقت تفاوت در بهره‌مندی از مواهب طبیعی یکی از عواملی بوده که حکومت را به مثابه‌ی نقطه‌ی ایجاد عدالت از اهمیت خاصی برخوردار کرده است.

۶- طبقات اجتماعی و شیوه‌ی معیشت افراد و جوامع نقش مهمی در تکوین و ساخت فرهنگی و ادراک محیطی آن‌ها دارد. به عبارت دیگر بخش مهمی از هویت فرهنگی معلول روابط اقتصادی معیشتی و تعامل جامعه‌ی فرد و جامعه‌ی محل سکونت اوست. در ایران نیز سیر تکوین فرهنگ کاملاً تحت تأثیر شیوه‌ی معیشت و اقتصاد بوده است. به طوری که هرگونه تحول در ابعاد روابط اقتصادی عناصر و نمادهای فرهنگی را نیز متحول کرده است.



زبان و دین از مهم‌ترین شاخصه‌های اصلی جغرافیای فرهنگی هستند.

زبان: زبان از مهم‌ترین شاخصه‌های فرهنگی است و همانگونه که قبلاً گفته شد، از دیدگاه جغرافی‌دانان فرهنگی، زبان از اهمیت بسیاری برخوردار و عنصر اصلی گسترش یک فرهنگ است. چرا که بخش مهم و اساسی هر فرهنگ و عامل انتقال میراث فرهنگی از نسلی به نسل دیگر است و بدون وجود زبان مشترک تداوم فرهنگی امکان‌پذیر نیست.

به عبارت دیگر تولید هر نوع معنا، اندیشه و نماد با زبان در ارتباط است و زبان مهم‌ترین نماد فرهنگی، ابزار تفهیم و ارتباط بین انسان‌ها است. ارتباطی که در سطح خرد و فردی، همه کنش‌های روزمره و روابط مستقیم و غیر-مستقیم انسان‌ها را در بر می‌گیرد و در سطح کلان ناقل حکمت و علم، فکر، اندیشه، میراث و تمدن بشری است که بین جوامع و نسل‌های مختلف تبادل می‌شود.

دین: دین از دیگر شاخصه‌های مهم فرهنگ و بخشی از آن است. در برخی از فرهنگ‌ها جزو عناصر اساسی است که بر بقیه عناصر موجود در آن فرهنگ تأثیر به‌سزایی می‌گذارد. به‌طور کلی مبانی فرهنگی ادیان از جنبه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زمینه‌ی تحول در فضای جغرافیایی را فراهم می‌آورد. از این جهت بخشی از موضوع جغرافیای فرهنگی مطالعه در مورد تنوع فضایی مذاهب و ارتباط آن با محیط جغرافیایی است. به عبارت بهتر دگرگونی سطح سیاره‌ی زمین توسط ادیان و مذاهب و اثرپذیری متقابل مذاهب از عناصر محیط جغرافیایی، در جغرافیای ادیان بررسی می‌شود.

جغرافیای فرهنگی ایران

کارکرد جغرافیای فرهنگی مطالعه‌ی رابطه‌ی متقابل فرهنگ و محیط و تبیین پراکندگی نمادها، فرآیندها و هنجارهای فرهنگی در فضای جغرافیایی است. فرهنگ حاکم بر ملت ایران که سازنده‌ی هویت ایرانی است

جغرافیا و روستا

توسعه پایدار روستایی



حسن رحمان؛
دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه ریزی
روستایی، دانشگاه شهید بهشتی

نسبتاً منزوی و با تراکم جمعیت کم زندگی می‌کنند.

به‌طور سنتی توسعه‌ی روستایی بر بهره‌گیری از منابع طبیعی سرزمینی نظیر کشاورزی و جنگل-داری متمرکز بوده است (پورجعفر و همکاران، ۱۳۹۰). بر این اساس می‌توان گفت که توسعه‌ی پایدار روستایی، یعنی نگرشی همه‌جانبه و سینوپتیکی و فرآیندی که به تعامل انسان سازمان-یافته با محیط‌زیست خویش (فضای زندگی) می‌پردازد. الگوی حاصل از این تعامل در ابعاد سه‌گانه‌ی راهبردی اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی در راستای افزایش انتخاب مردم با گسترش دامنه‌ی دموکراتیک، تواناسازی مردم به‌منظور تصمیم‌گیری برای شکل‌دهی به فضای زیست، افزایش رفاه و خوشبختی، گسترش فرصت‌ها و ظرفیت‌های بالقوه، تواناسازی زنان، فقرا و کشاورزان مستقل و آزاد برای سازمان‌دهی فضای زیست خویش و همچنین تواناسازی برای انجام کار گروهی است که در آن صورت می‌توان گفت، توانمندسازی و ظرفیت‌سازی به منزله‌ی کانون و هسته‌ی مرکزی پارادایم جدید در این تعریف مورد توجه است. بدین ترتیب با پذیرش این تعریف و با در نظر گرفتن تفاوت‌های مکانی - فضایی سکونتگاه‌های انسانی، بوم‌گرا بودن توسعه و عدالت اجتماعی، اقتصادی و مکانی، می‌توان گفت که جوامع روستایی امروزی، به‌طور عمده با ویژگی‌هایی چون سیاست‌های تبعیضی و برنامه‌ریزی‌های ناسازگار که همراه با فقر اطلاعاتی، مهارت‌های پایین، فرهنگ کارآفرینی ضعیف و نابرابری‌های قومی و قبیله‌ای روبه‌رو هستند که از سایر جوامع شهری متمایز می‌شوند.

موضوع توسعه‌ی پایدار در سال ۱۹۷۲ در کنفرانس محیط‌زیست سازمان ملل مطرح شد و در سال ۱۹۸۰ طبق ارائه‌ی گزارش "راهبردهای حفاظت جهان" توسط (IUCN) کاربرد رسمی عبارت توسعه‌ی پایدار برای اولین بار مطرح شد. بنابراین توسعه‌ی پایدار، توسعه‌ی است که در آن تأمین نیازها و رضایت‌مندی افراد همراه با افزایش کیفیت زندگی انسان مدنظر است (بارو، ۱۳۷۶، ۴۵؛ روبرت، ۱۹۸۰). به عبارت دیگر توسعه‌ی پایدار توسعه‌ی است که گسترش خدمات اساسی اجتماعی، اقتصادی و محیطی را برای همه بدون آن که محدودیت و تهدیدی را برای نظام‌های حیاتی که این خدمات وابسته به آنهاست، داشته باشد محقق می‌سازد و آنها را ارتقاء می‌دهد (افتخاری، ۱۳۸۲:). امروزه توسعه‌ی پایدار روستایی از مهمترین چالش‌های برنامه‌ریزان و سیاست‌گزاران به شمار می‌آید. به عبارت دیگر، توسعه‌ی پایدار روستایی از اصول و اهداف غایی پروژه‌ها، سیاست‌ها و طرح‌های توسعه‌ای در مناطق روستایی است.

توسعه‌ی پایدار روستایی عبارت است از مدیریت و حفظ منابع طبیعی موجود در روستا و جهت‌دهی به تغییرات فنی و نهادی، به شیوه‌ای که برآوردسازی مستمر نیازهای بشری چه در زمان حاضر و چه در آینده برای مردم روستا تضمین شود (مرادپور، زنگنه؛ ۱۳۹۸). به‌طور کلی توسعه‌ی پایدار روستایی فرآیند اداره‌ی مناطق روستایی به طریقی است که نیازهای نسل جاری را برآورده سازد. بدون اینکه توانایی نسل‌های آینده را به‌منظور برآورده ساختن نیازهای آنها به خطر اندازد (رضوانی، ۱۳۹۳). منظور از توسعه‌ی روستایی عموماً فرآیند ارتقای کیفیت زندگی و وضعیت اقتصادی مردمی است که در نواحی

اهداف استراتژی توسعه روستایی در ایران:

۱) کاهش شدت جریان مهاجرت روستاییان به شهر، به نحوی که مهاجرت روستایی رابطه‌ی معقول و متعادلی با توسعه‌ی خدمات، صنعت و کشاورزی پدید آورد.

۲) تمرکز یا فشرده کردن جمعیت در محیط روستایی، جهت پدیدآوردن مراکز روستایی بزرگ‌تر تا روستاییان بتوانند تحت پوشش شبکه‌ی خدمات قرار گرفته و در عین حال پوشش کافی جمعیتی برای استقرار صنایع در محیط روستایی فراهم آید.

۳) تقویت کردن و تنوع بخشیدن به اشتغال غیر کشاورزی در محیط روستا

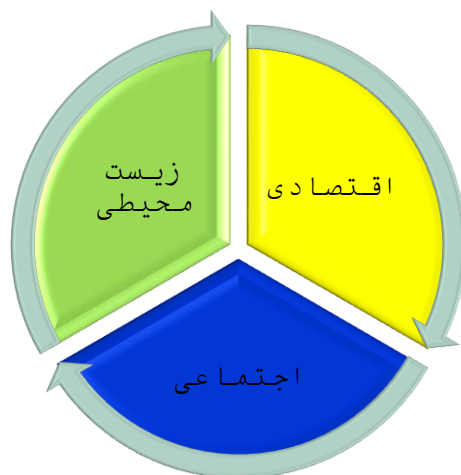
۴) انتظام بخشیدن به زراعت و دامداری در محیط روستا

۵) توسعه‌ی تعاونی‌های زراعی و دامداری در میان روستاییان (قادری وهمکاران؛ ۱۳۹۱).

به‌طور کلی ضرورت توجه به توسعه‌ی روستایی ناشی از عوامل زیر است:

۱- توسعه‌ی کشاورزی ۲- توزیع بهینه‌ی جمعیت ۳- استفاده از ظرفیت‌های تولیدی ۴- بازسازی ظرفیت‌های تولید ۵- بازسازی اقتصاد کشور ۶- عدالت اجتماعی، رفع فقر و محدودیت‌های اجتماعی

ابعاد و عناصر اصلی توسعه‌ی پایدار روستایی
به‌طور کلی در هر سطحی از توسعه از محلی، ناحیه‌ای، منطقه‌ای، ملی و جهانی سه عامل رسیدن به یک زندگی طولانی توأم با سلامت، دسترسی به منابع مورد نیاز برای یک زندگی مناسب و کسب علم و دانش مبتنی بر عدالت محوری و برای همه‌ی مردم از اهداف اساسی توسعه است. بنابراین می‌توان عناصر اصلی توسعه را به سه مؤلفه‌ی زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی تقسیم کرد:



علل اساسی رواج تفکر توسعه‌ی پایدار

۱- افزایش بی‌امان فقر و گرسنگی و نابرابری در جهان
۲- نتایج نامساعد سیاست‌های رشد گرایانه‌ی اتخاذ شده برای توسعه‌ی جوامع (شکست سیاست‌های کلاسیک)
۳- تخریب نگران‌کننده‌ی محیط‌زیست و منابع طبیعی در نتیجه‌ی نگاه مصرف‌گرایانه و کاربرد فناوری‌ها

مراحل ظهور توسعه‌ی پایدار روستایی

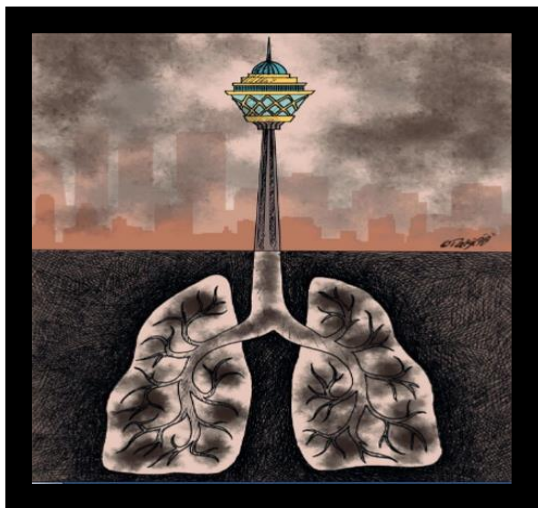
- مکتب کلاسیک و نظریه‌ی نوسازی
- اتخاذ راهبردهای صنعتی شدن: انقلاب سبز در حوزه‌ی روستایی و کشاورزی
- بروز مسائل و مشکلات محیط‌زیستی
- نظریه‌ی توسعه‌ی پایدار





دود شش!

آلودگی شهر تهران



اما معضل اصلی، ذرات معلق با قطری کمتر از ۵/۲ میکرون است که وارد جریان خون انسان می‌شوند و عامل بسیاری از بیماری‌ها هستند. حدود ۸۰٪ ذرات معلق ناشی از احتراق ناقص خودروهای فرسوده است. انسان‌ها آلودگی را تولید می‌کنند و عوامل طبیعی باعث انباشت آن در فضای شهری می‌شود. بیشتر شهرهای ایران مانند تهران، اراک، اصفهان و اندیمشک در آلودگی به سر می‌برند و میانگین غلظت ذرات معلق در این شهرها در سال ۱۳۹۹، تقریباً ۶ برابر استانداردهای سازمان جهانی بهداشت بوده است. عوامل مؤثر در آلودگی شهر تهران عبارتند از: آلاینده‌ها و ذرات معلق، توپوگرافی، اقلیم، وارونگی دما، الگوهای فشاری، جمعیت، صنعت و شبکه‌ی حمل و نقل. در بین عوامل انسانی، جمعیت مهم‌ترین عامل آلاینده محسوب می‌شود. قبل از استقرار جمعیت هیچ نوع آلاینده‌ای در فضا و محیط وجود ندارد. جمعیت‌های انسانی برای فراهم کردن نیازهای خود محیط را آلوده می‌کنند. البته اگر انسان بر اساس ظرفیت محیط بهره‌برداری می‌کرد، هیچ مشکلی پیش نمی‌آمد.



گزارشگر

یگانه کارچانی
دانشجوی کارشناسی رشته جغرافیا
دانشگاه شهید بهشتی

هر سال با شروع فصل سرد هوای آلوده سایه‌ی سنگین خود را بر سر شهرهای پرجمعیت و صنعتی ایران پهن می‌کند که باعث مختل شدن زندگی شهروندان می‌شود.

شهر تهران یکی از آلوده‌ترین شهرهای جهان می‌باشد که در واقع این آلودگی تابع دو پارامتر است: یکی عوامل اقلیمی و عوامل طبیعی و دیگری عوامل انسانی و میزان آلودگی‌ای که از منابع آلاینده‌ها تولید می‌شود. معمولاً منشأ انتشار آلودگی هوا، عوامل انسانی است. اما آنچه باعث انباشت آلودگی در شهر تهران می‌باشد، توپوگرافی است که باعث می‌شود به صورت طبیعی امکان تهویه‌ی آلاینده‌ها صورت نگیرد و اینکه تهران یک چاله‌ی ژئومورفولوژیک است. یعنی یک چاله‌ای که آلودگی هوا در آن گیر می‌افتد.

بخش دیگر مربوط به وضعیتی که در فصل سال رخ می‌دهد، یعنی وارونگی دما است. در این وضعیت لایه‌های سرد پایین‌تر قرار می‌گیرند و امکان خروج هوا سخت می‌شود و آلاینده‌ها به‌طور طبیعی امکان تهویه از سطح شهر را ندارند. به همین دلیل تجمع آلاینده‌ها روی کیفیت هوا تأثیر می‌گذارد.

ذرات معلق مهم‌ترین عامل آلودگی کلان شهرها هستند. به گفته‌ی مقامات ایرانی با اقدام‌های صورت گرفته گازهای آلاینده مانند منواکسید کربن و هیدروکربورها تحت کنترل است..



شهروندان را مجبور به استفاده از چنین خودروهایی می‌کند. در سال‌های اخیر دلایل دیگری هم اضافه شده است که به‌خاطر تحریم‌ها و عوامل دیگر، بنزین با کیفیت بسیار پایین عرضه می‌شود. وقتی بحث خودرو-ها است، منظور فقط خودروهای شخصی نیست. بلکه خودروهای عمومی و کامیون‌ها که اغلب از گازوییل که درصد گوگرد چند صد برابر حد مجاز دارد، استفاده می‌کنند نیز نقش مهمی در آلودگی هوا دارند.

همان‌طور که در بخش‌های پیشین ذکر شد، نقش عوامل حمل و نقل، جمعیت و اقلیم در آلودگی کلان شهرها همچون تهران انکار ناپذیر است. بنابراین می‌توانیم نتیجه بگیریم که گسترش فضای سبز و پخش جمعیت در تمام قسمت‌های کشور و برقراری تعادل و توازن در شهرها و دادن یک وزارتخانه مربوط به هر شهر، مثلاً دادن وزارتخانه‌ی شیلات به شمال یا جنوب کشور و انتقال وزارتخانه‌ی نفت از تهران به عسلویه باعث می‌شود تراکم جمعیت در تهران کمتر شود و تمام شهرهای ایران همزمان رشد کنند. در نتیجه آلودگی هوا در تهران کاهش پیدا کند.

یکی از فعالیت‌های انسانی تأسیس کارخانه‌ها و صنایع در غرب تهران و هجوم جمعیت برای زندگی در شهر تهران است و اگر روند رشد جمعیت ادامه پیدا کند، شرایط آلودگی شدیدتر می‌شود. از طرف دیگر افزایش نرخ جمعیت و رشد فضای سبز هماهنگ نیست و سرانه‌ی فضای سبز ساکنان تهران بسیار کم می‌شود و این خود عامل افزایش آلودگی است.

از اساس مسئله‌ی آلودگی یک مسئله‌ی انسان-ساخت است و مدیریت محیطی و مؤلفه‌های مؤثر بر آن تماماً در اختیار حاکمیت است. اولین کاری که حاکمیت حداقل در ۴۰ سال گذشته انجام داده، واگذاری انحصار بازار خودرو به دو خودروساز است. خودروهایی که عرضه می‌کنند، کیفیت لازم را ندارند. آلاینده هستند و سیستم سوخت ناقص و نایمن و هزاران ایراد دیگر هم دارند و اینکه شهروندان ناچار هستند از این خودروها استفاده کنند که هم دلیل اصلی آلودگی هواست و هم حاکمیت است که



چمدانی بی بازگشت



هانیه فتح آبادی
دانشجو کارشناسی رشته جغرافیا
دانشگاه شهید بهشتی



و به توسعه‌ی فرهنگی و هویتی روستا کمک کند. همچنین ممکن است با وارد کردن ایده‌ها و تجربیات جدید به افزایش نگرش‌های مثبت و تغییرات در زندگی روستایی انجامد. این نوع مهاجرت حتی می‌تواند باعث افزایش سطح درآمد روستا نیز شود. تأثیرات منفی شامل از بین رفتن ارزش‌ها و سنت‌های محلی، کاهش هویت محلی و همچنین افزایش تعداد افراد، ممکن است باعث بروز مشکلاتی مانند کاهش منابع طبیعی و فشار بیشتر بر زیرساخت‌های روستایی شود. از تأثیرات مهاجرت معکوس به شهر می‌توان به کاهش آلودگی، کاهش ترافیک و کاهش فشار بر زیرساخت‌ها و خدمات شهری و تأثیرات منفی مثل کاهش نیروی کار و احتمال کاهش توسعه و پیشرفت در مراکز شهری اشاره کرد.

احتمال مهاجرت به دلیل دستیابی به مسکن مناسب‌تر در بین مهاجران معکوس بیشتر از کلان شهری است. البته این امر می‌تواند در ارتباط با متغیر-های مطبوعیت روستایی مثل ارزان بودن مسکن، هزینه‌ی پایین ساخت مسکن، آب و هوای خوب، محیط آرام و در کل هزینه‌ی پایین زندگی در نظر گرفته شود. برخی از مطالعات نشان داده، مسکن‌های جدید روستایی که در چهارچوب طرح جدید بهسازی و نوسازی مسکن روستایی احداث شده‌اند؛ معماری روستایی، روستا نشینی، فرهنگ روستا و شیوه‌ی معیشت آن‌ها نادیده گرفته شده که این امر پیامد منفی همانند تغییر جهت زندگی روستاییان از اقتصاد معیشتی و خودکفا به اقتصاد مصرفی، به وجود آمدن تضاد فرهنگ بومی، تجددگرایی و تغییر جهت زندگی روستاییان از ساده‌زیستی به تجمل‌گرایی را با خود به همراه داشته است.



مهاجرت به‌عنوان مهم‌ترین تحرک مکانی جمعیت در یک قلمرو جغرافیایی، به معنی حرکت یک فرد یا گروهی از افراد در امتداد مرزهای یک واحد سکونتگاهی به واحدهای دیگر برای اقامت دائم یا موقت در مکانی غیر از زادگاه خود است. مهاجرت معکوس از شهر به روستا به معنی بازگشت افراد از شهر به مناطق روستایی می‌باشد. این نوع مهاجرت به دلایل مختلفی صورت می‌گیرد و تأثیرات متفاوتی بر شهر و روستا می‌گذارد.

در دهه‌ی ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ میلادی برخی کشورها به‌ویژه کشورهای صنعتی شکل جدیدی از مهاجرت را تجربه کردند. این وضعیت ابتدا در دهه‌ی ۱۹۷۰ در آمریکا مشاهده شد. طبق عقیده‌ی اکثر محققان از جمله براون و واردویل، ویژگی اصلی این نوع مهاجرت، حرکت از شهرهای بزرگ و صنعتی به شهرک‌ها و روستاها بود. سپس الگوهای مشابهی در اکثر کشورهای اروپای غربی و نیز کشورهایی مانند استرالیا، کانادا، ژاپن و نیوزیلند مشاهده شد و یک دهه بعد نیز منجر به پذیرش مهاجرت معکوس به-عنوان یک حقیقت جمعیتی گردید. طبق تحقیقات و سرشماری سال ۱۳۹۰ در ایران، مهاجرت روستا به شهر در طول ۳۵ سال اخیر دارای سیر نزولی منظمی بوده است. در این سرشماری درصد مهاجرت‌های شهر به روستا نسبت به شهر بیشتر به دست آمده و این وضعیت مهاجرتی در ایران نشان دهنده‌ی شکل‌گیری جریان مهاجرت معکوس است که با وجود تأثیرگذاری آن بر مبدأ و مقصد کمتر مورد توجه محققان و برنامه‌ریزان قرار گرفته است.

مهاجرت معکوس تأثیرات مثبت و منفی بر مبدأ و مقصد می‌گذارد. تأثیرات مثبت بر روستا شامل افزایش فرهنگ و تنوع فرهنگی است. وقوع مهاجرت معکوس می‌تواند باعث افزایش ارتباطات فرهنگی شود

ذره بین دانشکده ۱

گزارش تصویری دانشکده ۱۴۰۲



سمینار جایگاه جغرافیای نوین در جهان



نشست امپریالیسم و طوفان الافسی



جلسه نشریه ی هامون



بازدید دانشجویان و اساتید دانشگاه یزد از موزه دانشکده علوم زمین



جلسه معارفه دانشجویان کارشناسی



سفر علمی ورودی ۱۴۰۱ به روستاهای دماوند





واقعیت هایی از دید یک استاد

مصاحبه با آقای دکتر محمد تقی رضویان



سید سروش اسمعیلی
دانشجوی کاشناسی رشته جغرافیا
دانشگاه شهید بهشتی

مصاحبه



یگانه کارچانی
دانشجوی کارشناسی رشته جغرافیا
دانشگاه شهید بهشتی

مصاحبه

که درسی به نام جمعیت‌شناسی جغرافیای جمعیت، در رشته‌ی جغرافیا باید وجود داشته باشد. وظیفه‌ی مسئول و مدیر این است که بخش‌های اقتصادی و اشتغال‌آفرین را زیاد کند که جمعیت فعال جایی برای اشتغال داشته باشند. به‌طور مثال یک کارخانه احداث می‌شود؛ اما کسی تمایل به اشتغال ندارد. در اینجا باید آموزش‌های تخصصی لازم برای فعالیت ایجاد و برای کار-های خاص آموزش‌های خاص داده شود و بحث تغییر در سیستم آموزشی مطرح می‌شود.

(سیستم آموزشی تولید محور، اشتغال محور)

ما بیکار غیردانشگاهی هم داریم و باز به نوع برنامه‌ریزی بر می‌گردد و مراکز که ایجاد اشتغال کنند و چرا تحصیل‌کردگان دانشگاهی بیکارند؟

- آموزش دانشگاهی اشتغال محور و با نگرش اشتغال در بخش‌های اقتصادی نیست. در صورت وجود آمار صحیح می‌توان برآورد کرد که به محض فارغ‌التحصیل شدن، هر رشته‌ای جذب کار می‌شود یا خیر. اصولاً رشته‌هایی که مارکت محور هستند و بازار آماده‌ی اشتغال آن‌هاست، بهتر وارد بازار کار می‌شوند و بالعکس. به همین جهت پدیده‌ای که در مورد رشته‌ی جغرافیا وجود دارد، در رشته‌های دیگر هم است. جغرافیا در جهان عوض و تبدیل به برنامه‌ریزی فضایی شده است. در حالی که ما هنوز نگرش مکانی داریم و هنوز از مکان به فضا تغییر نکرده و صرف مطالعه و شناخت است و به برنامه‌ریزی و اجرا تغییر پیدا نکرده است. در حالی که جغرافی‌دان‌ها در جهان جایگاه خاص خودشان را پیدا کرده‌اند؛ تحول در دانشگاه‌های بزرگ جهان اتفاق افتاده است

تجربیات زندگی یا آموخته می‌شوند یا از افراد باتجربه منتقل. از این رو برای بخش مصاحبه‌ی نشریه‌ی هامون که نشریه‌ی رشته‌ی جغرافیاست؛ سراغ یکی از باتجربه‌ترین و سرآمدترین افراد این رشته رفتیم تا در فضایی صمیمانه و به دور از کلیشه‌های آموزشی گفت-وگویی فراتر داشته باشیم.

مصاحبه با دکتر محمدتقی رضویان استاد جغرافیا دانشکده‌ی علوم زمین دانشگاه شهید بهشتی:

جناب دکتر به نظر شما علت بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی چیست؟

فارغ‌التحصیلان دانشگاه در یک بخش عمومی اشتغال در کشور قرار می‌گیرند. یکی از اشکالات موجود نداشتن آمار صحیح است. در حالی که داشتن آمار صحیح یکی از کلیدهای برنامه‌ریزی توسعه است. آخرین سرشماری انجام شده برای سال ۱۳۹۵ می‌باشد و ما حدود ۸ سال هیچ آماری نداریم و این در حالی است که تحولات جمعیتی زیادی در ایران رخ داده است و ما نرخ بالای مهاجرت و نرخ توسعه‌ی بهداشتی کودکان را داشتیم. حدود دو سال درگیر کرونا بودیم که از جمعیت کاهش یافته و یا از چرخه‌ی اشتغال خارج شده و اتفاقات دیگر. نرخ ازدواج پایین آمده و سن ازدواج بالا رفته و به‌طور کلی تحولات و تغییرات دموگرافی باید برای برنامه‌ریزی‌ها در نظر گرفته شود. دموگرافی اصل و پایه‌ی برنامه‌ریزی و توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی یک کشور است و این کمبود احساس می‌شود

معتقدم یک معلم نباید در ۳۰ سال پیش بماند. آنچه در گذشته فرا گرفته، وقتی امروز سر کلاس می‌رود باید با دانش امروز سر کلاس برود و دانشجو را طوری پرورش بدهد که ۱۰ سال آینده قرار است وارد بازار کار شود. آنچه امروز گفته می‌شود باید زیر بنایی باشد که وقتی ۱۰ سال بعد وارد بازار کار می‌شوید، آماده باشید. ۱۰ سال بعد اینترنتی که ما امروز با آن کار می‌کنیم به این شکل نخواهد بود. کتابی که امروز نوشتیم به این شکل نخواهد بود. شهرهای ما این‌گونه نخواهند بود. تولیدات ما، ساعات کار کشاورزی، حمل و نقل جهانی و غیره این‌گونه نخواهد بود.

من می‌گویم دانشی که به شما می‌دهم، باید زیر بنایی باشد برای تفکر شما که چند سال بعد می‌خواهید وارد بازار کار بشوید و بتوانید جایگاه خود را پیدا کنید. اگر امروز خللی در بازار کار جغرافیا وجود دارد، علت این است که شما با آموزشی که ۳۰ سال پیش رایج بوده، جلو آمده‌اید و آن امروز کاربردی ندارد. امروزه مسئله‌ی ازدواج مطرح است. به عقیده‌ی من یک مسئله‌ی کاملاً جغرافیایی است. جغرافیای جمعیت، جغرافیای اقتصادی، جغرافیای مسکن، جغرافیای حمل و نقل، جغرافیای اشتغال، جغرافیای سیاسی همه‌ی این‌ها دخیل است.

به‌طور مثال مهاجرت از روستا به شهر در علم جغرافیا هم اقتصاد شهر و هم روستا خوانده می‌شود. مسائل هر دو طرف آموخته می‌شود و جغرافی‌دان می‌تواند تحلیل درستی از این موضوع داشته باشد.

جناب دکتر توصیه‌ی شما برای افرادی که قصد دارند وارد رشته‌ی جغرافیا شوند چیست؟ و چه توصیه‌ای برای دانشجویان این رشته دارید؟

باید عادت کنیم قبل از اینکه در هر مسئله‌ای گامی برداریم؛ چه در انتخاب رشته، ازدواج و حتی خرید روزانه تحقیق و جست‌وجو کنیم که البته امروزه بسیار راحت شده و با اینترنت سریع قابل انجام است؛ ولی آن تلاش را باید در خودمان به وجود بیاوریم و اعتقاد پیدا کنیم که قبل از اینکه هر گامی برداریم جست‌وجو بکنیم که آیا این رشته‌ای که می‌خواهم جوانی و زمان زندگی‌ام را برای آن بگذارم،

دیدگاه جهان نسبت به رشته‌ی جغرافیا به چه صورت است؟ جغرافیا در جهان رشته‌ی بسیار شناخته شده‌ای است که وارد برنامه‌ریزی شده و کاربردی است و از جغرافی‌دان‌ها به ویژه در مسائل محیط‌زیستی استفاده می‌شود. امروزه که در مارچ ۲۰۲۴ هستیم؛ دو مسئله در جهان اهمیت بسیار بالایی پیدا کرده و مستقیماً با جغرافیا ارتباط پیدا می‌کند: اول مسئله‌ی گرم شدن کره‌ی زمین، محیط‌زیست و مسائل مختلف پیرامون آن است که جغرافی‌دان‌ها می‌توانند بهترین مطالعات را در این زمینه انجام بدهند و بهترین کمک را به برنامه‌ریزان و مدیران کشورها بکنند. به همین دلیل آتش-سوزی‌های فراوانی که در آمریکا، اروپا، استرالیا و جاهای مختلف دنیا رخ می‌دهد؛ جغرافی‌دان‌ها متخصص آب، اقلیم و گیاه‌شناس می‌توانند گرم شدن کره‌ی زمین و مسائل شهری و روستایی را تلفیق کنند. جایگاه خیلی خاصی پیدا کردند و مسائل محیط‌زیست جایگاه خاصی به جغرافیا می‌دهد.

دوم مسائل ژئوپلیتیک است. آنچه در اوکراین بین روسیه و اتحادیه‌ی اروپا مشاهده می‌شود، آنچه در شرق آسیا مشاهده می‌شود، چین با کشورهای دیگر بر سر مسئله‌ی تایوان و مسائل دیگر. آنچه در غزه رخ می‌دهد، آنچه در سودان و کشورهای آفریقایی رخ می‌دهد و سایر مناطق جهان. در نتیجه اهمیت جغرافیا و جغرافی‌دان‌ها بیشتر آشکار می‌شود. به همین دلیل بازار کار در کشورهایی که به این دو مسئله‌ی اساسی اهمیت می‌دهند (محیط‌زیست و مسائل سیاسی) بسیار بازار خوب و شکوفایی است.

شما هم در ایران و هم در انگلیس تحصیل کرده‌اید. همچنین حدود ۶ سال در آمریکا تدریس داشته‌اید. به نظر خودتان چه سهمی ایفا کردید؟

کار اصلی من معلمی بوده و سعی می‌کردم بچه‌ها را آگاه و با دانش جدید جغرافیا به روز کنم. پا فراتر بگذارم و از چهارچوب نوشته شده تحت عنوان برنامه‌های درسی، مطالب بیشتری به آن‌ها اضافه کنم. به‌طور دائم می‌خوانم و می‌نویسم. اهل تحقیق هستم و علاقه دارم هر چیزی که می‌خوانم و برایم جالب است؛ با بچه‌ها به اشتراک بگذارم. سعی کردم هم خودم به روز باشم و هرچه خودم جدید یاد می‌گیرم، در اختیار بچه‌ها قرار بدهم.

از این نظر رضایت دارم. همیشه سعی می‌کنم به روز باشم و این را وظیفه‌ی خود می‌دانم.

بازار کار و پتانسیل‌های اشتغال در کشورهای مقصد، تعداد جمعیت ساکن در نقطه‌ی مبدأ در سراسر جهان است.

آمارهای مهاجرت موفق اپلای در رشته‌ی جغرافیا به چه صورت است؟ آیا کشورهای دیگر پذیرا هستند؟

- بله فارغ‌التحصیل‌های خوبی داشتیم که رفتند و صاحب شغل‌ها و سمت‌های خوب در جاهای مختلف شدند و همین‌طور در دانشگاه‌های خوبی مشغول تحصیل شدند. البته افراد ناموفقی هم بودند که شاید دلیل آن را یک جست‌وجوی اولیه ذکر کنم. هرکسی می‌گوید برای تحصیل می‌خواهم خارج بروم، می‌گویم خارج عبارت است از کشورها و دانشگاه‌های مختلف. هدف چیست؟

باید دلیل داشته باشی. در غیر این صورت موفقیت حتمی نیست. اگر با تحقیق جایی بروی، موفق می‌شوی. اتفاقاً رشته‌ی جغرافیای دانشگاه شهید بهشتی در ایران سرآمد است و در سطح جهانی خیلی خوب شناخته شده است و امتیاز خاصی دارد.

به‌عنوان سوال آخر و همیشگی در حد یک پاراگراف، جغرافیا چیست؟

تعریفی که خودم در انجمن بین‌المللی جغرافی‌دان‌ها مطرح کردم و مورد استقبال قرار گرفته، این تعریف است: جغرافیا علم مطالعه‌ی فضاها و روابط بین اجزایی است که آن فضا را تشکیل می‌دهند؛ من جمله انسان‌ها، محیط‌زیست، مسائل اقتصادی و اشتغال و فعالیت‌ها، مکان‌های انسان‌ساخت در مقابل مکان‌های طبیعی، ضوابط و قوانین و مقررات روابطی که این‌ها بهم برقرار می‌کنند و جغرافی‌دان باید این روابط را در بیاورد که یا تعاملی است و باعث توسعه می‌شود یا اگر تقابلی است، منجر به عدم توسعه می‌شود. بعد از این جغرافی‌دان باید وارد برنامه‌ریزی بشود. چرا که او تمام این‌ها را خوانده و اوست که باید همه‌ی این برنامه را انجام بدهد. در آخرین نسخه از تعاریف خودم، جغرافی‌دان بعد از شناخت برنامه‌ریزی باید برای توسعه در اجرا نیز نقش ایفا کند. چرا که آن را خوانده و برای آن برنامه‌ریزی کرده است. بنابراین بهترین کسی است که می‌تواند در ساخت پروژه‌ی توسعه‌ای حضور داشته باشد.

چه فایده‌ای برایم خواهد داشت. وقتی فردی وارد رشته‌ای می‌شود، ۱۸ سال سن دارد. هنگامی که خارج می‌شود، ۲۸ ساله شده است. خب دیگر نمی‌شود به عقب بازگشت. ۴ سال لیسانس، ۲ سال فوق لیسانس، ۴ سال دکترا خب این ۱۰ سال عمر باید سودآور و یک نگرشی پشت آن باشد که آیا تلاشی که طی این ۱۰ سال انجام می‌دهم، منجر به توسعه‌ی زندگی من خواهد شد یا خیر. هر رشته چه ورودی و خروجی‌هایی دارد و نهایتاً هر کدام امتیاز بیشتری داشت، انتخاب شود.

سعی کنیم علمی فکر و عمل کنیم و نه احساسی. جایگاه هر رشته‌ای را در آینده ببینیم. به‌طور مثال اگر بدانیم زاد و ولد در کشور رو به کاهش است و برویم پزشکی اطفال بخوانیم؛ خب ۱۰ سال دیگر شاید پزشکی کهنسالان کاربردی‌تر باشد. این یعنی برنامه‌ریزی. باید سعی کنیم با برنامه‌ریزی قدم برداریم. اگر بچه‌ها با برنامه‌ریزی و چشم باز قدم بردارند و داخل این رشته شوند، رشته‌ی خوبی است. من سفارش می‌کنم بچه‌هایی که حق انتخاب دارند؛ رشته‌ی جغرافیا را انتخاب کنند. اما جغرافیای مدرن. از اساتید بخواهید. مقدار زیادی از بار به دوش شماست. حتماً باید یک زبان دوم را خوب فرا بگیرید. چرا که مطالعات و منابع در زبان فارسی کم یا برای سالیان خیلی گذشته است و امروزه کمتر کاربرد دارد. بنابراین حتماً باید زبان خارجی آموخت تا بتوان با جهان رابطه برقرار کرد.

اما جغرافیای مدرن در دانشگاه تدریس نمی‌شود؟ کی از مشکلاتی که ما داریم این است که اساتید کمتر با جهان ارتباط دارند یا به دلیل ضعفی هست که در زبان خارجی داریم یا ارتباطات بین‌المللی و برونی دانشگاه مثل تحریم‌ها، قطع ارتباطات، نرفتن، ندیدن و مسائل بسیار دیگری که عوامل برون‌زا و در مقابل آن عوامل درون‌زا دخیل هستند. شما باید خودتان را مسئول بدانید. وقتی سر کلاس می‌روید، چند ایده‌ی جدید همراه خودتان ببرید.

اوضاع مهاجرت تحصیلی در این رشته چه‌طور است؟ مهاجرت البته در همه‌ی رشته‌ها است و یک چیز کلان ملی-جهانی است. فردی تصمیم می‌گیرد به دلایل مختلف از نقطه‌ای به نقطه‌ای برود. هرجایی که فکر می‌کند در آنجا امکانات پیشرفت برای زندگی و آینده وجود دارد و امواج عظیم و مهاجر در جهان به‌طور کلی جمعیت شناور است.



دکتر رضیه اکرمی
دانش آموخته‌ی برنامه ریزی روستایی-گرایش آمایش کیفیت
محیطی
دانشگاه شهید بهشتی

زنان روستایی و ارتقاء دانش در گردشگری

دانش و مهارت عبارت است از شایستگی‌ها و ویژگی‌هایی که در افراد جمع می‌شود و دستیابی به موقعیت‌های شخصی، اقتصادی و اجتماعی را ممکن می‌سازد. دانش به‌عنوان ابزاری برای آگاهی مطرح است و می‌تواند افراد را آنگذر آگاه سازد تا تمامی نیازهای‌شان را بشناسند و مطالبه کنند تا در سرنوشت خویش سهیم باشند.

افرادی که از دانش فنی و مهارت‌های لازم برخوردارند، موفق هستند و در صورت کاهش آن، موفقیت کمتری دارند. دانش و مهارت منجر به فراگیری مهارت‌های سه گانه‌ی تکنیکی (مهارت فنی، دانایی و توانایی در انجام وظایف)، رفتاری (اشتراک‌گذاری تجارب و دانسته‌های یک نفر با بیش از یک نفر) و ادراکی (کنش و واکنش و ادراکات، انگیزه و قومیت‌ها) برای دستیابی به توانمندی اجتماعی- اقتصادی می‌گردد.

براساس نتایج پژوهش‌ها ارتقاء گردشگری در فضای روستایی با تحول در سنت‌ها و باورها، دانش زنان روستایی را افزایش داده، به فراهم‌آوری دسترسی زنان روستایی به منابع مادی و غیرمادی، افزایش قدرت آنان، مشارکت‌شان در زمینه‌ی توسعه‌ی طرح‌های گردشگری کمک شایانی نموده است. همچنین امکان نوآوری و خلاقیت را در آنان بهبود داده و زمینه‌های استقلال مادی زنان و تنوع و افزایش درآمد را نیز در پی داشته است.

گردشگری روستایی و حضور گردشگران در نواحی روستایی، دانش زنان روستایی را به گونه‌ای ارتقاء بخشیده

بررسی نقش زنان روستایی در طرح‌های توسعه‌ی گردشگری نشان می‌دهد که به جایگاه آنان به‌عنوان نیمی از نیروی فعال جامعه، اغلب به‌عنوان نیروی نامرئی در بحث امور خانه‌داری نگریسته شده است و معمولاً نقش تعیین‌کننده‌شان که همزمان با کمک در فعالیت‌های اقتصادی خانواده ایفا می‌کنند، مورد توجه قرار گرفته نمی‌شود. در حالی که گزارش بانک جهانی نشان می‌دهد، پنجاه درصد نیروی کار کشاورزی در جهان در اختیار زنان است و باید در برنامه‌های توسعه از سهم مادی و معنوی، هم‌تراز با نقش‌شان برخوردار باشند.

پژوهشگران معتقدند ارتقاء دانش فنی و تخصصی زنان، باعث دریافت واکنش‌های حمایتی و دسترسی به منابع، اعتبارات مالی، تجهیزات، زمان و امکانات شده، همچنین منجر به بهبود مشارکت‌شان و تأثیرگذاری آنان در فرآیند توسعه‌ی گردشگری و در واکنش به ابعاد گوناگون محیطی (اکولوژیک)، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌شود

کار زنان به شیوه‌ی سنتی در روستا، غالباً شامل مواردی است که در مرکز آن، خانه‌داری قرار دارد. اولویت این فعالیت‌ها تهیه‌ی خوراک، داروی گیاهی، تهیه‌ی پوشاک و نوشاک، تربیت و به ویژه آموزش و پاسداری از ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی روستا است. اما رونق گردشگری و به ویژه گردشگری روستایی و انواع گوناگون تفریح، باعث حضور بیشتر گردشگران و در نتیجه بروز و ظهور فرصت‌های جدید شغلی در نواحی روستایی شده که نتیجه‌ی آن، ارتقاء دانش و مهارت زنان روستایی و تحول در ابعاد گوناگون و متأثر از آن، تقسیم کار و تغییر نقش‌های جنسیتی شده است.



که برنامه‌ریزان می‌بایست توجه ویژه‌ای به آن داشته باشند. زیرا اقدامات و روش‌های گوناگون از جمله برگزاری کارگاه‌های آگاهی‌بخشی و آموزشی در بخش‌های مختلف گردشگری، دانش آنان را نسبت به مسائل فردی و محیطی از جمله ابزارهای مختلف برای آگاه‌سازی افزایش داده است که می‌تواند در ایجاد کانال‌هایی برای تقویت روابط آنان با نخبگان، مراکز دانشگاهی، و ایجاد کمپین‌های آگاه‌سازی و برگزاری گفت‌وگوهای دوستانه‌ی جمعی مؤثر باشد. این امر به‌جای تمرکز صرف بر رشد اقتصادی، به‌عنوان نیروی محرکه‌ای انگیزه‌ی درونی ایجاد کرده و منجر به اصلاح رفتار نقش‌ها و تغییر ادراک زنان روستایی شده و در نهایت منافع آنان را افزایش می‌دهد. توسعه‌ی مهارت‌های انسانی، از مهم‌ترین شاخصه‌های دستیابی به پیشرفت و توسعه در جوامع است. زیرا دانش و مهارت دستیابی به موفقیت‌های فردی و اجتماعی را تسهیل می‌کند. در شماره‌های بعد در این خصوص بیشتر خواهیم گفت.

که با آموزش در زمینه‌های گوناگون امکان تنوع بخشی به اشتغال چه در بخش کشاورزی و چه در بخش غیرکشاورزی همچون صنایع دستی، صنایع کارگاهی، خدمات اقامت و پذیرایی را متحول نموده است.

بهبود دانش متأثر از گردشگری روستایی باعث دستکاری نقش‌های جنسیتی شده و به بازتعریف و تحول نقش افراد در جریان زندگی در فضای روستایی و جوامع محلی کمک نموده است که این امر به ویژه در تجربیات زنان به‌عنوان مهم‌ترین محور در ابعاد انسانی در جوامع محلی و نواحی روستایی برای به چالش کشیدن رویدادها مورد توجه است.

نزدیک بودن روز جهانی زنان و دختران در علم (۱۱ فوریه) همچنین روز جهانی گردشگری، فرصتی است تا به این مقوله توجه بیشتری شود. رویداد روز جهانی زنان و دختران در علم، سالانه توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای ارتقاء دسترسی و مشارکت کامل و برابر زنان در زمینه‌های علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات (STEM) تصویب شده است و گرامی داشته می‌شود. شعار روز جهانی زنان و دختران در سال ۲۰۲۴ «زنان در رهبری علم؛ عصر جدیدی برای پایداری» است





سید حسین سید موسوی
دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی گردشگری
دانشگاه شهید بهشتی



نویسنده اول

فاطمه زهرا خلیلی
دانشجوی کارشناسی رشته جغرافیا
دانشگاه شهید بهشتی



نویسنده دوم

پیوند شهر و روستا و تاثیرات آن بر روی گردشگری با تاکید بر رویکرد راهبرد شبکه منطقه ای مایک داگلاس

شبکه یعنی گروهی منظم از مکان های بهم پیوسته و مرتبط با یکدیگر. شبکه ها نظامی بی مرز و پویا هستند که می توانند بی نهایت گسترش یابند و کانون های روستایی و شهری نوینی را در خود بوجود آورند. سازه های یک شبکه گردشگری شامل حمل و نقل، اقامت، ارتباطات، بوم شناسی و... هستند. اجرای صحیح این رویکرد باعث می شود مردم شهر و روستا متناسب با نیاز خود از ظرفیت مکمل شهر و روستا استفاده نمایند و نابرابری بین شهر و روستا به حداقل برسد.

در بحث گردشگری راهبرد شبکه منطقه ای جریان جا به جایی مردم در زمان و مکان و گاهی میان خانه های شان و مقصدها و گاهی دیگر میان کانون های مقصد را مطالعه می کند. به بیانی دقیق تر گردشگری همواره در سه بعد زمان، کمیت جریان و جهت جریان نمایان می شود. رفتار گردشگران بیشتر گروه مبنا است. بنابراین رفتار گردشگر یک فراگرد شخصی نیست بلکه یک رابطه پیچیده شبکه ای است.

سازمان گردشگری ملل متحد (UN Tourism) به رشد فزاینده شهرهای جهان در سال های اخیر اشاره و استفاده از مدل پیوند های روستایی - شهری در گردشگری را ابزاری برای حمایت از گردشگری روستا دانسته و همچنین به روستاها تاکید کرده که با شهرها تعامل قوی داشته و آنها را به عنوان شرکای کلیدی توسعه گردشگری به رسمیت بشناسند.

سیاست گردشگری دولت ها تا سال ۱۹۷۰ میلادی گردشگری با اندازه بالا (انبوه) و اغلب در فضاهای شهری بوده است. گردشگری انبوه رفته رفته منجر به بروز چالش های زیست محیطی و نابرابری های اجتماعی - اقتصادی در جهان گردید.

یکی از نظریات موثر بر تغییر فرایند توسعه گردشگری از انبوه به پایدار، راهبرد شبکه منطقه ای (Regional Network Strategy) مایک داگلاس است که به اختصار مدل (RNS) نامیده می شود. تا قبل از ارائه نظریه فوق، اغلب برنامه ریزان شهری توجه محدودی به روستا داشتند و برنامه ریزی توسعه روستا را از شهرها انجام می دادند. از طرفی برنامه ریزان توسعه روستایی شهرها را همچون انگل و بیگانه برای محیط روستا می دانستند. در این نظریه تفکیک شهر و روستا که سال ها مورد توجه برنامه ریزان بود کنار گذاشته شد و به پیوند های روستایی - شهری اشاره گردید. پیوند شهر و روستا به معنای ارتباط و ارتباطات دو سویه میان محیط شهری و روستایی است. این نظریه بیان می دارد برنامه ریزی یک منطقه باید متناسب با شرایط، ظرفیت ها و امکانات مختص همان منطقه باشد و با خوشه بندی (شبکه بندی)، می توان فعالیت های نواحی هم سطح را به صورت متعادل و متوازن در طول منطقه و در تعامل با خارج از منطقه افزایش داد.



پیوند شهر و روستا در حوزه گردشگری برای چندین دلیل مهم ضروری است:

۱- ارتقای توریسم پایدار: توسعه پایدار در پیوند شهر و روستا در حوزه گردشگری به معنای توسعه اقتصادی، اجتماعی و طبیعی ای که هماهنگی بین محیط زیست، فرهنگ محلی و رشد اقتصادی را مهم می‌داند است. این پیوند میتواند باعث افزایش سهم جامعه محلی در گردشگری، ارتقای انتقال دانش و تکنولوژی در روستاها و بهبود وضعیت زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی آنان شود.

۲- توسعه اقتصادی مناطق روستایی: توسعه اقتصادی مناطق روستایی در پیوند شهر و روستا در حوزه گردشگری به معنای افزایش فرصت‌های اشتغال، ایجاد کسب و کارهای جدید، توسعه سرمایه انسانی و بهبود شرایط اقتصادی مردم روستا است.

پیوند شهر و روستا در حوزه گردشگری باعث توسعه اقتصادی مناطق روستایی و افزایش درآمد و اشتغال مردم آن مناطق می‌شود. با علاقه‌مندی گردشگران به بازدید از روستاها و خرید از محصولات محلی، فرصت‌های اقتصادی برای افراد محلی ایجاد می‌شود.

احداث مجتمع‌های تفریحی و اقامتی که شامل هتل‌ها، رستوران‌های محلی، فروشگاه‌های صنایع دستی و دیگر امکانات تفریحی و توریستی هستند، به جذب گردشگران و ارتقای اقتصاد محلی منطقه کمک می‌کنند.

۳- حفظ فرهنگ و طبیعت: حفظ فرهنگ و طبیعت در پیوند شهر و روستا در حوزه گردشگری به معنای حفظ و نگهداری منابع فرهنگی و طبیعی مناطق روستایی و شهری است. در این روند، تمرکز بر حفظ و احیای فرهنگ، سنت‌ها، آداب و رسوم محلی، جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی، به همراه حفظ زیستگاه‌ها و منابع طبیعی، آب و هوای خاص، و حفاظت از گونه‌های گیاهی و جانوری بومی می‌باشد. فعالیت‌های گردشگری مبتنی بر بازدید از آثار تاریخی و باستانی، مراسمات محلی، غذاها و دست‌سازهای محلی، و بازدید از آبشارها، دره‌ها، جنگل‌ها و مناظر طبیعی از جمله این موارد هستند.

۴- تجربه سبک زندگی: افزایش تفاوت سبک زندگی در پیوند شهر و روستا در حوزه گردشگری به معنای ایجاد تمایل و تجربه گردشگران شهری برای تجربه زندگی و فرهنگ محلی در مناطق روستایی و برعکس آن، تجربه گردشگری مردم روستا از جاذبه‌های شهری است. این تفاوت می‌تواند بر اساس عوامل اقتصادی، فرهنگی و محیطی صورت گیرد. به عنوان مثال، گردشگران شهری ممکن است

تمایل داشته باشند با زندگی در خانه‌های سنتی روستایی، فعالیت در مزرعه، شرکت در روزمرگی مردم روستایی و یا تجربه آداب و رسوم این مناطق تجربیاتی جدید کسب نمایند

راهکارهای توسعه راهبرد شبکه منطقه ای

۱- توسعه مسیر های ارتباطی: توسعه مسیرهای ارتباطی در پیوند شهر و روستا در حوزه گردشگری به معنای ایجاد، بهره برداری و بهبود مسیرها و شبکه‌های حمل و نقل ریلی و جاده ای بین شهرها و روستاها است. این توسعه می‌تواند به ایجاد ارتباط فیزیکی بهتر بین منطقه شهری و روستایی کمک کند و امکان رفت و آمد آسان‌تر بین مناطق روستایی و شهری را فراهم آورد.

۲- توسعه زیرساخت‌های گردشگری: به ایجاد، بهبود و توسعه زیرساخت‌هایی اشاره دارد که در خدمت صنعت گردشگری و ارتباط بین شهرها و روستاها قرار می‌گیرند. این زیرساخت‌ها می‌تواند شامل مواردی از جمله (توسعه و بهبود تاسیسات مهم گردشگری: مانند هتل‌ها، مهمانسراها، رستوران‌ها و پارک‌های عمومی که در نقاط استراتژیک شهرها و روستاها قرار می‌گیرند)؛ (احداث و بهبود تجهیزات و تسهیلات سرگرمی: شامل ایجاد مراکز تفریحی و ورزشی، سالن‌های نمایش و سینماها)؛ (توسعه و بهبود صنعت گردشگری محلی: شامل ایجاد و توسعه صنایع دستی و محصولات محلی در روستاها، بازارها و بازارچه‌های محلی که امکان خرید و تجربه فرهنگ و سنت‌های محلی را فراهم می‌کنند) و (ایجاد مراکز آموزش و آموزش مداوم: برای آموزش مهارت‌های گردشگری و توسعه کادرهای ارائه دهنده خدمات گردشگری در شهرها و روستاها) باشند.



نتیجه گیری:

بخش گردشگری شامل جریان فضایی و بخشی، بین محیط های شهری و روستایی است. به طوری که رشد گردشگری و فعالیت های تفریحی می تواند تاثیرات مهمی برای اقتصادهای محلی و به ویژه برای کاتالیزوری توسعه اقتصادی و اجتماعی در مناطق حاشیه ای یا مناطق روستایی داشته باشد.

گردشگری امری پویا، منعطف و متاثر از جریان هاست، هر ناحیه گردشگری دارای وضعیت اقتصادی، اجتماعی و خاص خود است که شبکه ای منحصر به فرد از روابط را به وجود آورده است. مطالعات گردشگری یک ناحیه با ناحیه ای دیگر قابل تأمین نیست و برای هر ناحیه باید با توجه به اجزا و ارکان بومی خود برنامه ریزی نمود. برنامه ریزی گردشگری باید به گونه ای باشد که شهر و روستا در تعامل یکدیگر بوده و هرکدام نیازهای خود را از یکدیگر برآورده نمایند.

راهبرد شبکه - منطقه ای می تواند ظرفیت های پنهان گردشگری مناطق را آشکار کند؛ بنابراین این راهبرد حمایتی قوی از توسعه گردشگری پایدار است زیرا نزدیک ترین تا دورترین مناطق از حمایت یکسان متناسب با منطقه خود بهره مند می شوند.

بایسته است در تعریف اجزاء نظام فضای ملی و منطقه ای کشور، به توسعه (پایین به بالا) و در نهایت گسترش پیوند های روستایی - شهری توجه کرد. نتیجه این راهبرد می تواند باعث خوداتکایی و توانمندسازی مردم محلی در روستاها، رفع فقر، ارتقا شاخص های اقتصادی، زیست محیطی، نهادی، فرهنگی، اجتماعی و زیست محیطی گردشگری در تمام نقاط کشور شود.

۳- برگزاری رویداد ها و جشنواره ها: برگزاری رویدادها و جشنواره ها در پیوند شهر و روستا در حوزه گردشگری به معنای برگزاری انواع فعالیت های فرهنگی، هنری، ورزشی و تفریحی است که با هدف جذب گردشگران و ایجاد ارتباط بین شهرها و روستاها برگزار می شود. این رویدادها و جشنواره ها اغلب به همراه فعالیت های خاصی همراه هستند و می توانند فرصتی برای نمایش فرهنگ، آداب و رسوم محلی، صنایع دستی، غذاهای محلی و سایر جذابیت های مرتبط با شهر یا روستا باشند.

۴- طراحی تورها و برنامه های گردشگری: در پیوند شهر و روستا در حوزه گردشگری به معنای طراحی و برنامه ریزی بسته های توریستی و برنامه های گردشگری جامع و متنوع است که با هدف معرفی و استفاده از جاذبه های گردشگری شهرها و روستاها در ایران طراحی می شوند. این تورها و برنامه ها می توانند شامل اماکن تاریخی و فرهنگی، مناظر طبیعی، روستاهای محلی، صنایع دستی، مراسم و رویدادها، فعالیت های ورزشی و سایر فعالیت های گردشگری مشابه باشند.

۵- توسعه مشارکتی: توسعه مشارکتی در پیوند شهر و روستا در حوزه گردشگری به معنای مشارکت و همکاری فعالان مختلف، از جمله مردم محلی، سازمان های مربوطه، بخش خصوصی و دولت در فرآیند توسعه گردشگری است. تشکیل انجمن ها، کارگروه ها و هیئت های مشترک شهری و روستایی، از جمله اقدامات موثر بر فرآیند توسعه مشارکتی گردشگری هستند.



کاهش آب دریاچهی خزر



گزارشگر

یگانه کارچانی
دانشجوی کارشناسی رشته جغرافیا
دانشگاه شهید بهشتی



شکل ۱۹- پیش‌بینی مؤسسه آب‌شناسی و هواشناسی قزاقستان از کاهش تراز سطح آب خزر تا سال ۲۰۵۰

خزر پس از بالاترین تراز آب ۸۰ سال اخیر در سال ۱۹۹۵ میلادی، با سپری غیریکنواخت در حال کاهش است.

آیشتین میزان این کاهش در بازه‌ی زمانی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۵ میلادی به وقوع پیوسته و این رخداد با کاهش قابل ملاحظه‌ی آبدهی رودخانه‌های مهم شمالی از جمله رودخانه‌ی ولگا و همزمان بوده است. البته در طی سال‌های اخیر علاوه بر تغییرات مؤثر منابع آب رودخانه‌ای، افزایش دمای هوا و اثرگذاری آن بر میزان تبخیر و هدر رفت آب، در روند تغییرات سالانه و نوسانات آب تأثیر داشته است.

این موضوع به دلیل عدم توجه به نگرانی‌های زیست-محیطی در حین اکتشاف، استخراج و انتقال منابع هیدروکربنی به دریا تشدید می‌شود. آلاینده‌هایی مانند زباله‌های صنعتی، آب رودخانه‌ها، فاضلاب خانگی تصفیه نشده، زباله‌ی کشتی‌های شناور، بقایای کودهای کشاورزی و رواناب‌های آبیاری همگی در آلودگی آب خزر نقش دارند. همچنین عواملی مانند کمبود آب، تغییرات اقلیمی، فعالیت‌های انسانی نظیر سدسازی و تخریب محیط‌زیست محسوس است. این عوامل باعث کاهش حجم آب در دریاچه‌ی خزر شده و به مرور زمان باعث کوچک شدن آن می‌شود.



دریای خزر بزرگ‌ترین آب داخلی جهان است که به طور متغیر به‌عنوان بزرگترین دریاچه یا دریای کامل جهان توصیف می‌شود و بین ایران، روسیه، آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان مشترک است. خزر از طریق رودخانه‌ی ولگا و کانال ولگا-دن به آب‌های آزاد متصل می‌شود. دریاچه‌ی خزر با اندازه-گیری سطح، بزرگترین آب داخلی زمین است که حدود ۳۷۱۰۰۰ کیلومتر مربع (۱۴۳۲۰۰ مایل مربع) وسعت دارد.

دریای خزر نیز از عمق بالایی برخوردار است. به طوری که عمق آن در بعضی نقاط به ۱۰۲۵ متر می‌رسد. دریاچه‌ی خزر سومین دریاچه‌ی عمیق در جهان است. عمق دریای خزر در همه‌ی نقاط یکسان نیست. به این صورت که کف دریای خزر تپه‌های مرتفعی وجود دارد. به همین دلیل وقتی اشاره می‌شود که عمق این دریاچه حدود ۱۰۰۰ متر است؛ این اندازه‌گیری مربوط به تمام قسمت‌های این دریاچه نیست و تنها به نقاط خاصی محدود می‌شود. اما به‌طور کل عمق خزر برای یک دریاچه، زیاد محسوب می‌شود.

در سال‌های اخیر گزارش‌های متعددی در خصوص کاهش سطح آب دریاچه‌ی خزر منتشر شده است. با توجه به آمار سازمان ملل تا اواخر قرن بیست‌ویکم بین ۳۰ تا ۶۰ فوت (۹ تا ۱۸ متر) کاهش یافته و حدود یک چهارم مساحت دریاچه از دست رفته است.

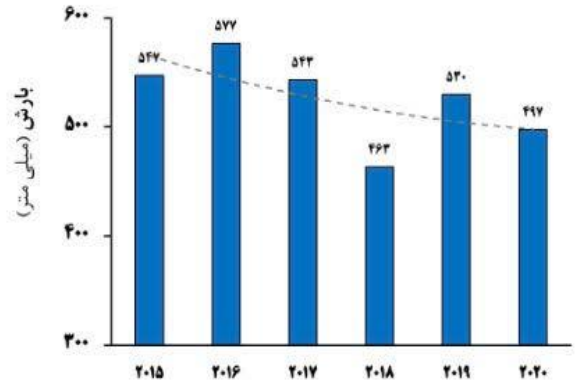
علت کاهش تراز آب:

طبق گزارش موسسه‌ی تحقیقات آب وزارت نیرو، سطح آب دریای

حدود ۱۳۰ رودخانه به دریای خزر می‌ریزند، اما در بالا دست این دریاچه حدود ۸۰ درصد آب از رودخانه‌ی ولگا طولانی‌ترین رودخانه‌ی اروپا می‌آید. در حالی که اورال و سایر رودخانه‌های روسیه نقش فرعی مهمی دارند. روسیه در سال‌های اخیر ۴۰ سد بر روی رودخانه‌ی ولگا ساخته است و ۱۸ سد دیگر نیز در دست مطالعه و ساخت هستند. این امر باعث کاهش جریان آب ورودی به دریای خزر شده است. علاوه بر این، جنگ اوکراین و تحریم‌های غرب علیه روسیه منجر به کاهش شدید واردات محصولات کشاورزی از اروپا و آمریکا شده و این امر بهره‌برداری از منابع آبی ولگا را برای توسعه‌ی کشاورزی به‌ویژه کشت گندم در مناطق اطراف رودخانه افزایش داده است. به گفته‌ی یک کارشناس قزاق، استفاده‌ی روزافزون روسیه از آب بالادست، خشک شدن شمال شرق خزر را که محل میدان نفتی کاشاقان قزاقستان است، تسریع می‌کند.

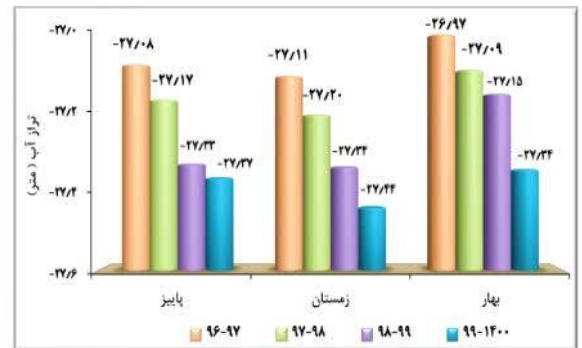
طبق اعلام موسسه‌ی تحقیقات آب وزارت نیرو، پدیده‌ی تغییر اقلیم با تأثیر بر شرایط طبیعی مؤلفه‌های آب و هوایی در کره‌ی زمین، موجب افزایش سطح آب دریاها و اقیانوس‌ها می‌شود. لیکن این مسئله با رویکردی متفاوت منجر به کاهش سطح آب دریاها و دریاچه‌های محصور در خشکی خواهد شد. سطح آب دریای خزر در بیش از دو دهه‌ی گذشته ۱.۵ متر کاهش یافته است. این کاهش در سال‌های اخیر به‌طور میانگین هفت سانتی‌متر در سال بوده است. نتایج آخرین تحقیقات ارائه شده نشان می‌دهد که احتمال ادامه و حتی بیشتر شدن روند کاهشی در آینده وجود دارد. در نتایج تحقیقات منتشر شده در سال ۲۰۲۰ میلادی، دریای خزر در پنج سال آینده با کاهش حدود ۴۰ سانتی‌متری سطح آب و در ۱۰ سال آتی تقریباً با کاهش یک متری روبه‌رو خواهد شد. پیش‌بینی شده است که تا سال ۲۰۵۰ قسمت شمالی دریاچه تقریباً خشک شود. در نهایت بهترین راه کنترل کوچک شدن دریاچه‌ی خزر، همکاری بین کشورها و حل مسئله‌ی مشترک در حفاظت از دریاچه و سایر منابع است. زیرا تلاش یک کشور به تنهایی برای حفظ و جلوگیری از کاهش حجم دریاچه مفید نیست.

علت کم شدن حجم دریاچه‌ی خزر می‌تواند به عوامل زیر برگردد: کاهش نزولات بارانی: کاهش بارندگی و کمبود آبدهی منابع آبی می‌تواند باعث کاهش حجم آب در دریاچه‌ی خزر شود.



شکل ۸- میانگین بارش سالانه در حوضه آبریز دریای خزر (سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۲۰ میلادی)

تغییرات اقلیمی: تغییرات اقلیمی ممکن است باعث تغییر الگو و مقدار بارندگی شود که در نتیجه به کاهش حجم آب در دریاچه‌ی خزر منجر می‌شود



شکل ۴- مقایسه تغییرات فصلی تراز آب

استفاده‌ی بیش از حد از منابع آب: استفاده‌ی بالا از منابع آب برای کشاورزی، صنعت و شهرستان‌های اطراف ممکن است باعث کاهش حجم آب در دریاچه شود.

سدها و سدهای ساختارگذار: سدهای ساختارگذار و تغذیه‌ی پروژهای جنوب به شمال، مصرف زیاد منابع آبی، کشت و کار، صنعت، دامپروری و ... همگی عامل کوچک شدن حجم دریاچه‌ی خزر هستند.

تخریب جنگل‌های حفاظت شده: تخریب جنگل‌های حفاظت شده نقش مؤثری در کوچک شدن حجم دریاچه‌ی خزر دارد. ساخت سدهای روسیه بر روی رودخانه‌ی ولگا و کاهش آب ورودی به دریای خزر یکی از مهم‌ترین عوامل است.



تقویم جغرافیا

مهر:

۵ مهر روز جهانی جهانگردی
 ۱۵ مهر روز جهانی روستا و عشایر
 ۲۰ مهر روز جهانی ملی کاهش اثرات
 بلایای طبیعی
 ۲۹ روز ملی کوهنوردی

آبان:

۱۷ آبان روز جهانی شهرسازی
 ۲۴ آبان روز جهانی GIS

دی:

۱ دی روز میلاد خورشید

بهمن:

۱ بهمن روز جهانی برف

اسفند:

۵ اسفند روز بزرگداشت زمین
 ۱۵ اسفند روز درخت و درختکاری
 ۲۳ اسفند روز جهانی رودخانه

فرودین:

۲ فرودین روز جهانی آب
 ۳ فرودین روز جهانی هواشناسی
 ۱۳ فرودین روز طبیعت و طبیعت گردی

اردیبهشت:

۱۰ اردیبهشت روز خلیج فارس

خرداد:

۱۵ خرداد روز جهانی محیط زیست
 ۲۵ خرداد روز جهانی باد
 ۲۷ خرداد روز جهانی بیابان زدایی

تیر:

۱۰ تیر روز صنعت و معدن

مرداد:

۷ مرداد روز جهانی باران

یک سفر فرا تر از کلاس

